



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۷۸۶-۲۹۸۰

زمان چاپ: ۱۴۰۰/۰۳/۱۵

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

اهمیت مدیریت صحیح کلاس توسط معلمان و اثرات آن بر روی میزان مسئولیت

اجتماعی آنان

حمیدرضا فامیل کریمی^۱، زهرا عزیز^۲، بهاره جعفرپور^۳

^۱. لیسانس فقه و اصول، حوزه علمیه آیت الله مجتهدی ره، fhamid.kf۱۲۵@gmail.com

^۲. کارشناسی ارشد گرایش جبر، دانشگاه فردوسی مشهد، Aziz.zahra۱۲۸۸@gmail.com

^۳. کارشناسی ارشد مدیریت اجرایی گرایش کارآفرینی، دانشگاه علوم تحقیقات، bahare.jafarpour@gmail.com

چکیده

یکی از ضرورت های نظام آموزشی موفقیت آمیز، گسترش مهارت های لازم تحصیلی در دانش آموزان و به خصوص فراشناخت است. در گذشته تفاوت فردی عامل اصلی در تفاوت و سطح تحصیلی بین دانش آموزان پنداشته می شد. تفاوت در استعدادها و قابلیت ها عامل تعیین کننده تفاوت بین دانش آموزان قلمداد و در نتیجه راهبردهای اندکی برای رفع نقایص و مشکلات یادگیری به آنان ارایه می شد، اما در سالهای اخیر به ویژه با مطرح شدن دیدگاه های شناختی و خبرپردازی نظرات جدیدی درباره مشکلات و نارسایی های یادگیری به آنان ارایه گردیده که تا حدودی مبین اهمیت فراگیری و نحوه کاربرد مهارتها و راهبردهای شناختی در یادگیری مباحث درسی است. در واقع تفاوت دانش آموزان نه در قابلیت ها و خصایص ذاتی بلکه در نحوه پردازش اطلاعات است. با استفاده از روش های مناسب و آموزش، زمینه رفع مشکلات و ارتقای سطح عملکرد یادگیری و تحصیلی دانش آموزان فراهم می آید.

واژگان کلیدی: مسئولیت اجتماعی، معلمان، مدیریت صحیح، دانش آموزان، مدارس.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۷۸۶-۲۹۸۰

مقدمه

یکی از عواملی که امروزه، مدیران و سیاست گذاران آموزش و پرورش به عنوان موضوعی مهم و اساسی بدان توجه دارند، عامل مدیریت کلاس است که از دیر باز به عنوان پیچیده ترین موضوع در بهبود کیفیت آموزش شناخته شده است .

مدیریت کلاس مقدمه و پیش نیاز آموزش است. معلم می تواند با شناخت و اجرای مدیریت صحیح، تاثیر و کارایی تدریس را افزایش و مشکلات رفتاری دانش آموزان را کاهش دهد. هدف اصلی مدیریت کلاس، همانند هدف آموزش « خود رهبر شدن دانش آموزان است». هدف این است که دانش آموز به جای آن که به کنترل خارجی نیاز داشته باشد بتواند آگاهانه رفتار خویش را کنترل کند و رفتار مطلوب جزئی از شخصیت او شود (بهراری، ۱۳۷۲: ۳۷).

هدف از روش های اداره کلاس، فراهم کردن جوی است که در آن تدریس راحت تر صورت پذیرد. آن چه در اداره موثر کلاس درس همواره باید مدنظر باشد، الویت تاکید بر پیشگیری از بد رفتاری نسبت به مقیاس های تسکین دهنده، مانند تنبیه است. مشکلات بالقوه رفتاری باید شناخته شود تا با اعمال روش های صحیح در کلاس از پیشروی آن ها جلوگیری گردد.

به اعتقاد بسیاری از معلمان و مدیران مسائل مربوط به انضباط، کنترل و اداره کلاس مهم ترین علل ناموفق بودن معلمان است. هنگامی که بیشتر وقت کلاس صرف مشکلات انضباطی شود بطور عملی زمان کمتری برای تدریس و یادگیری دروس باقی می ماند (رضایی، ۱۳۷: ۱۰).

گزارش ها نشان داده است که بیش از ۵۰٪ درصد زمان کلاس صرف مسائل انضباطی و اداره کلاس می شود (الیز، ۲۰۰۳). مربیان برجسته همیشه تاکید داشتند کیفیت آموزش، یک عامل کلیدی و موثر بر رفتار دانش آموزان و موفقیت آنهاست. اما در رویکردهای نوین به آموزش، نقش دانش آموز در فرایند یاددهی - یادگیری افزایش یافته است، و توسعه مهارت ها و توانایی های دانش آموزان برای پذیرش مسئولیت یادگیری خود هدف واقع شده است، در نتیجه چگونگی واکنش معلم به بد رفتاری دانش آموزان به دلیل تاثیر فراوان بر عملکرد آن اهمیت یافته است چنانکه یک شیوه اثربخش می تواند سبب افزایش جایگاه دانش آموزان در کلاس و یا عزت نفس آن ها شود و آن ها را به پذیرش مسئولیت خود ترغیب کند (جانز، ۱۹۹۰) .

بنابراین تغییرات ساده در فنون برنامه درسی و آموزشی، برای خلق یک محیط مبتنی بر نیازهای دانش آموزان و خلق یک جامعه یادگیری در کلاس کافی نیست؛ بلکه برای فراهم کردن چنین محیط همکارانه ای در کلاس نیازمند تئوری مدیریت کلاس هستیم (مارتین، ۲۰۰۳). بنابراین لازم است در این خصوص فنون و ویژگی های مورد نیاز مدیریت کلاس شناسایی و تبیین گردد، تا مورد استفاده همه کسانی که با آموزش و پرورش سرو کار دارند قرار گیرد.

بیان مساله



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۷۸۶-۲۹۸۰

با اهمیت یافتن نقش دانش‌آموز در فرایند یاددهی - یادگیری متغیرهای دانش‌آموزی اعم از انگیزه، استعداد، توانایی‌های شناختی و فراشناختی، دانش، مهارت فرد و غیره به عنوان عوامل موثر بر یادگیری مطرح شدند .

وانگ و همکاران (۱۹۹۰) در یک فراتحلیل جامع برمتون و تحقیقات مربوط به یادگیری، دریافتند که، متغیرهای دانش‌آموزی نسبت به دیگر متغیرهای موثر بر یادگیری الویت داشته و از این بین، عامل توانایی فراشناختی دانش‌آموزان با بالاترین نمره در بین کل متغیرها بعنوان یک عامل بسیار مهم بر یادگیری شناخته شده که در متون علمی معاصر تاکید فراوانی بر آن شده است (وانگ و همکاران، ۱۹۹۰) .

طبق جدیدترین تئوری‌های یادگیری، کیفیت یادگیری بستگی به توانایی‌های یادگیرندگان در هدایت و جهت دهی به یادگیری خودشان، توسعه مهارت‌های پرسشگری، یادگیری تفکر و کنترل فرایندهای یادگیریشان دارد؛ در این بین « مهارت‌های فراشناختی » مفاهیم اصلی و کلیدی هستند .

اصطلاح فراشناخت برای اولین بار در سال ۱۹۷۶ توسط جان فلاول وارد حیطه روان‌شناسی شناختی شد؛ وی این اصطلاح را به عنوان هر گونه دانش یا عمل شناختی که موضوع آن فعالیت‌های شناختی و تنظیم آن است تعریف می‌کند. درحیطه روانشناسی شناختی فراشناخت دو بعد اساسی را در بر می‌گیرد؛ دانش فراشناختی و مهارت‌های کنترل شناخت یا خود - تنظیمی (مک یوزد، ۱۹۹۷).

به گفته فلاول (۱۹۸۸) بعد اول شامل دانش و باورهای فرد درباره عوامل و متغیرهایی است که با هم در فرایند شناختی تعامل دارند، که این عوامل یا متغیرها عبارتند از دانش درباره توانایی‌های خود، ویژگی‌های تکلیف و راهبردهای شناختی است. و جزء دوم تنظیم شناختی است که اشاره به فرایندهایی دارد که شناخت را هماهنگ می‌کنند. این بعد شامل مهارت‌های فراشناختی است و در انواع فعالیت‌های شناختی از جمله رد و بدل کردن اطلاعات بصورت کلامی، نوشتن، فراگیری زبان، ادراک، توجه حافظه، حل مساله، شناخت اجتماعی و اشکال مختلف خودآموزی و کنترل خود نقش مهمی بازی می‌کند (فلاول، ۱۳۷۷، ۱۷۰). این مهارت‌ها عبارتند از؛ برنامه ریزی، سازمان دهی، مدیریت اطلاعات، ارزیابی و اشکال زدایی (اسکراو، ۱۹۹۴). اسکراو و مشمن، گستره وسیعی از متغیرها را در شکل‌گیری فراشناخت موثر می‌دانند و معتقدند سه عامل در ایجاد و پایه گذاری فراشناخت فرد دخالت دارد؛ یادگیری‌های فرهنگی، ساخت یابی فردی و تعامل با همگنان نظریه‌های فراشناختی فرد از درونی شدن فرهنگ از طریق یادگیری اجتماعی ساخته می‌شود و مفاهیم مشترک اجتماعی از طریق آموزش رسمی و غیر رسمی به کودکان انتقال داده می‌شوند .



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۷۸۶-۲۹۸۰

بنابراین خود افراد نیز ساختارهای مشخصی را بنا می‌کنند تا مهارت‌ها و راهبردهای شناختی خود را توسعه و دانش فراشناختی خود را تنظیم کنند و نیز بتوانند شرایطی را بوجود آورند تا در یادگیری، خود تنظیم شوند. تعامل همگنان شامل یک فرایند سازمان دهی اجتماعی است و از انتقال فرهنگی و ساخت فردی متمایز است .

معلمان بر اساس نگرش‌ها و باورهایشان در خصوص ماهیت رفتار دانش‌آموزان شیوه‌های گوناگونی از مدیریت در کلاس را بکار می‌برند که هر کدام می‌تواند اثرات متفاوتی بر عملکرد دانش‌آموزان بگذارد. پژوهشگران با مشاهده رفتار معلمان شیوه‌های مختلفی از مدیریت کلاس گزارش داده‌اند. آن‌چه برای پژوهشگران در این حیطه اهمیت دارد، شناخت تفاوت‌هاست؛ این‌که چه شیوه‌ای از مدیریت کلاس موثر و مفید است. گلیکمن و تامشایر (۱۹۸۰) و ولفگانگ (۱۹۹۵) با توجه به سه متغیر مدیریت کلاس یعنی؛ مدیریت آموزش، مدیریت رفتار و مدیریت افراد، در یک پیوستار، سه رویکرد به مدیریت کلاس را شرح می‌دهند؛ رویکرد غیرمداخله‌گرایان، رویکرد تعامل‌گرایان، و رویکرد مداخله‌گرایان.

معلمان طبق باورهایشان درباره یادگیری و رشد دانش‌آموزان شیوه خاصی از مدیریت را در کلاس اعمال می‌کنند و بر این اساس که کدام رویکرد بر اعتقادات و عمل آنان مسلط است سبک مدیریتی آنان مشخص می‌شود و هر سبک با ایجاد شرایطی خاص و متفاوت در جو اجتماعی کلاس می‌تواند تاثیر متفاوتی بر رشد مهارت‌های فراشناختی دانش‌آموزان بگذارد .

تعاریف نظری و عملیاتی

تعاریف نظری

مدیریت کلاس: تلاش‌های معلم برای سرپرستی فعالیت‌های کلاس، مدیریت کلاس می‌باشد که شامل تعاملات اجتماعی، رفتار دانش‌آموزان و یادگیری است؛ که این طبق نظر محققینی چون: چارلز (۱۹۹۲) و ولفگانگ (۱۹۹۵)، ولفگانگ و گلیکمن (۱۹۸۰) است (مارتین و دیگران ۲۰۰۴) .

مدیریت کلاس: طیف وسیعی از تکنیک‌ها و روش‌هایی است که برای تسهیل در آموزش، بالا بردن مدت زمان یادگیری، ایجاد و تداوم فضایی دلپذیر و خوشایند در کلاس، ممانعت از رفتارهای نابسامان و خلل‌آفرین و حاکمیت نظم و انضباط در کلاس، به کار برده می‌شود .

سبک مدیریت کلاس: شیوه عملکرد هر معلم در مدیریت کلاس است که متاثر از باورها و عقاید معلمین درباره ماهیت رفتار دانش‌آموزان می‌باشد. در این مطالعه طبق نظر ولفگانگ و گلیکمن سبک مدیریت کلاس معلمان یک ساختار سه وجهی است که شامل مدیریت افراد، رفتار، آموزش می‌شود و بر اساس نوع نگرش معلمان سه رویکرد به مدیریت مد نظر است؛ رویکرد مداخله‌گرا، تعاملی، و غیر مداخله‌گر .



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۷۸۶-۲۹۸۰

فراشناخت: فراشناخت معادل واژه انگلیسی Metacognition است و از دو جزء تشکیل شده: واژه Meta که اشاره دارد به مرتبه دوم دانش یا عملکرد و واژه Cognition یا شناخت؛ که در معنای عام یعنی دانستن و «فراشناخت» در ساده ترین معنا یعنی «شناخت شناخت یا دانش درباره دانش».

طبق تعریف بیکر براون (۱۹۸۴) «فراشناخت» دانش و کنترل فرد بر فرایندهای شناختی خود است که دو بعد اساسی دانش فراشناختی و کنترل فراشناختی را در برمی گیرد. دانش فراشناختی:

اولین بعد فراشناخت است و بر اساس تعریف اسکراو (۱۹۹۵)، دانش فراشناختی، به آن چه فرد در مورد خویش یا در مورد شناخت به طور کلی می داند مربوط می شود سه مقوله مهم این دانش عبارتند از: مقوله شخص، که شامل باورهای فرد درباره ماهیت خود و افراد دیگر بعنوان پردازشگران شناختی می شود و نوعی دانش اکتسابی است؛ مقوله تکلیف، مربوط می شود به اطلاعات درباره هدف قابل دسترسی برای فرد در طی یک اقدام شناختی؛ فرد باید تشخیص دهد که تکالیف متفاوت مستلزم عملیات ذهنی متفاوت است و مقوله استراتژی، دانش درباره ابزارها یا راهبردهایی است که به موفقیت در نیل به اهداف شناختی می انجامد.

مهارت های فراشناختی

بعد دوم فراشناخت تنظیم یا کنترل شناختی است و شامل مهارت هایی می شود که شناخت را هماهنگ می کنند (فرناندز، ۲۰۰۳).

این مهارت ها عبارتند از:

- ۱- برنامه ریزی (برنامه ریزی، هدف گذاری، و تخصیص منابع).
- ۲- سازماندهی (اجرای استراتژی ها و ابتکاراتی که به مدیریت بر اطلاعات کمک می کند و مدیریت اطلاعات (سازماندهی، شرح دادن، خلاصه کردن و تمرکز گزینشی بر اطلاعات).
- ۳- نظارت (ارزیابی همزمان یادگیری خود یا کاربست استراتژی ها).
- ۴- اشکال زدایی (به کار بستن استراتژی ها در اصلاح عملکردهای اشتباه یا فرضیه پردازی درباره وظیفه یا کاربرد استراتژی ها).
- ۵- ارزیابی (تحلیل عملکرد و اثربخشی استراتژی ها) (اسکراو، ۱۹۹۴).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۷۸۶-۲۹۸۰

اداره کلاس و نقش آن در بهبود مسئولیت پذیری

توانایی اداره کلاس و ایجاد رفتار مطلوب در دانش‌آموزان، بخشی مهم از کار معلم در کلاس و زمینه مناسب برای یادگیری است. به نظرمی رسد معلم برای اداره مطلوب کلاس به دو مهارت نیاز دارد:

۱- برقراری ارتباط موثر و مثبت با دانش‌آموزان

۲- مدیریت کلاس

این دو مهارت باعث تسهیل امر آموزش و کاهش رفتارهای نامطلوب در دانش‌آموزان می‌شود. جو کلاس در هر شرایط بر نگرش دانش‌آموزان نسبت به مدرسه، مطالعه، تحصیل و حتی خود پنداری آنان تاثیر می‌گذارد (کدیور، ۱۳۸۲: ۲۲۷).

ارتباط مناسب میان معلم و دانش‌آموز، اغلب محور اثر بخشی معلم است. ارتباط مفید مستلزم آن است که معلمان از شناخت لازم و جامع هم نسبت به موضوع درسی و هم نسبت به دانش‌آموزان خویش برخوردار باشند، چنین امری برای ایجاد یک پل ارتباطی بین دانش‌آموزان و موضوع درسی کمک می‌کند. معلمان را نیز قادر می‌سازد که موضوع درسی را به شاگردان خویش تفهیم کنند. برعکس ارتباط سطحی و ضعیف میان معلم و دانش‌آموز موجب می‌شود که حتی یادگیری مطالب ساده نیز میسر نباشد. بنابراین روابط مبتنی بر محبت، احترام و باور متقابل میان معلم و دانش‌آموز می‌تواند بر میزان انگیزه دانش‌آموز تاثیر گذارد.

مدیریت کلاس درس به مفهوم ایجاد شرایط لازم برای تحقق یادگیری است و بر این اساس می‌توان گفت که مهارت های مدیریت کلاس زیر بنای کل موفقیت در تدریس است. این امر در کلاس‌های درس مدارس ایران که مملو از دانش‌آموزان است، از اهمیت خاصی برخوردار است. برای اعمال مدیریت بر کلاس درس و ایجاد شرایط بهینه برای یادگیری، خود معلم باید فردی کارا باشد تا از مهارت های مدیریت کلاس درس بهره بگیرد.

و لازم است که معلمان با شیوه‌های مدیریت کلاس و مهارت‌های ارتباط با دانش‌آموز آشنا بوده، بر حسب موقعیت و فضای کلاس آن را به نحو مطلوب به کار ببندند.

تعاریف مدیریت کلاس

با توجه به گستردگی مفهوم مدیریت، تعاریف مختلفی از آن ارائه شده است که می‌توان گفت از لحاظ تاکید بر روی جنبه‌های مختلف کلاس درس متفاوت هستند. برخی تعاریف، مدیریت کلاس را هم معنا با واژه انضباط توصیف کرده‌اند. چنانکه به بیان کوهن (۱۹۹۶) مفهوم مدیریت آن چنان که در دنیای اقتصاد بکار م ی‌رود بیانگر نقش سرپرستی و کنترل کننده در ارتباط با



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۷۸۶-۲۹۸۰

کارکنان است؛ از این رو می‌توان با کمی تسامح این تعریف را در مدیریت آموزش و کلاس درس به کاربرد. مدیریت کلاس بیشتر یک برنامه انضباطی است که شامل باورها و ارزش‌های معلم، راجع به انضباط می‌شود (دنیس مور، ۲۰۰۳). همچنین دوپل (۱۹۸۶) مدیریت کلاس را ایجاد و حفظ نظم اجتماعی، به منظور آرامش و یادگیری بهتر تعریف می‌کند. به بیان او این واژه با اندک خوش بینی برابر با انضباط است «درمان بد رفتاری‌ها و اختلالاتی که در محیط آموزش رخ می‌دهد» (زاگرم، ۲۰۰۰). ولفگانگ و گلیکمن در یک تعریف جامع از مدیریت کلاس آن را دارای سه جنبه اساسی می‌دانند؛ به گفته آن‌ها مدیریت کلاس، کلیه تلاش‌های معلم برای سرپرستی فعالیت‌های کلاس است که شامل تعاملات اجتماعی، رفتار دانش‌آموزان و یادگیری است؛ بنابراین مدیریت کلاس، انضباط را در بر می‌گیرد ولی محدود به آن نیست (مارتین، ۱۹۹۶). مدیریت کلاس شامل اقداماتی است که معلم برای ایجاد نظم، درگیر کردن دانش‌آموزان یا جلب مشارکت آنان انجام می‌دهد. برای مثال دوک (۱۹۷۹) مدیریت کلاس را عبارت از مقررات و روش‌های ضروری ایجاد و حفظ محیطی می‌داند که در آن آموزش و یادگیری بتواند اتفاق بیفتد. اخیراً مفهوم پردازی تعریف مدیریت کلاس با مطرح شدن پیچیدگی محیطی که در آن راهبردها و روش‌ها اجرا می‌شوند و نیز فضایی که در آن اهداف معلم در رفتار مدیریتی انجام می‌گیرد، گسترش یافته است. بطور مثال دوپل (۱۹۸۹) آن را به شکل زیر خلاصه می‌کند: "اقدامات و راهبردهایی که معلمان برای حل مسئله نظم در کلاس‌ها به کار می‌برند". به نظر جکسون (۱۹۶۸) پیچیدگی مدیریت کلاس ناشی از چندین ویژگی تدریس در کلاس است که عبارتند از چند بعدگرایی (رویدادها و افراد گوناگون)، هم‌زمانی (رویدادهای زیادی که در یک زمان رخ می‌دهد)، عدم قابلیت پیش بینی (رویدادها و پیامدها)، عمومیت (رویدادها اغلب در حضور اکثر یا همه دانش‌آموزان رخ می‌دهد)، و تاریخ (اقدامات و رویدادها دارای گذشته و آینده هستند). گروهی از تعاریف مدیریت بر کارکرد سازمان دهی مدیریت کلاس تاکید می‌کنند، از آن جمله وانگ (۱۹۹۸) مدیریت کلاس را همه کارهایی می‌داند که معلم در جهت سازمان دهی دانش‌آموزان، فضا، زمان و مواد انجام می‌دهد که این کار به پرورش همکاری، درگیر شدن دانش‌آموزان در فعالیت‌های کلاس و ایجاد یک محیط پر بار می‌انجامد (دولیتل، ۲۰۰۰).

سازمان دهی و مدیریت کلاس

سازمان دهی کلاس به نظم و ترتیب درسی و اجتماعی دانش‌آموزان در کلاس درس اشاره می‌کند. معلمان در کلاس‌ها با دانش‌آموزانی مواجهند که از لحاظ توانایی‌ها و میزان پیشرفت با یکدیگر مشابه یا کاملاً متفاوت اند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۷۸۶-۲۹۸۰

اهمیت و تاثیر مدیریت کلاس درس بر کارایی معلم تاثیر مستقیمی دارد، تا آنجا که برای معلمان مبتدی و تازه کار زمان زیادی به این امر اختصاص می یابد. صرف چنین زمانی برای مدیریت و سازماندهی کلاس موجب کاهش زمان فعال برای یادگیری دانش آموزان می شود.

معلمان به منظور آنکه زمان غیر آموزشی در کلاس را به کمترین مقدار برسانند، باید درس را در وقت مقرر شروع و تمام کنند و وقفه های بین فعالیت های کلاس را به کمترین حد برسانند، قواعد و قوانین معنادار و کارآمدی را تدوین و اجرا کنند و کلاس را چنان نظم بخشند که رفتارهای مخرب شاگردان را هرچه بیشتر کاهش دهند. یک معلم زمانی در مدیریت کلاس موفق میشوند که نه تنها به گونه ای موفقیت آمیز در مقابل مشکلات رفتاری دانش آموزان واکنش نشان دهد، بلکه در پیشگیری از بروز مشکلات توانا باشد.

ابعاد مدیریت کلاس

مدیریت کلاس حیطة بسیار گسترده ای دارد که ابعاد یا جنبه های مختلفی از فعالیت های کلاس را شامل می شود. ولفگانگ و گلیکمن (۱۹۸۰) در توصیف باورهای معلمان در خصوص مدیریت کلاس جنبه های مختلف مدیریت کلاس را تفکیک کرده اند: - محیط روانشناختی؛ شامل باورهای معلم درباره تعامل دانش آموزان، نیل به موفقیت مدرسه، احترام، رشد مسئولیت پذیری و خود انضباطی و پرورش خلاقیت دانش آموزان می باشد .

- آموزش؛ شامل باورهای معلم درباره انتظارات یادگیری، انتخاب موضوعات و مواد برای یادگیری، کنترل رفتارهای تحت وظیفه و سازمان دهی زمان یادگیری است .

- ارتباطات؛ باورهای معلم درباره تشویق کلامی، بازخورد دادن به دانش آموزان و هدایت آن ها می باشد .

- ساختار کلاس؛ باور معلم درباره قوانین کلاس و تعیین تکالیف است (مارتین، ۱۹۹۶).

مارتین و بالدوین (۲۰۰۴) با یک دیدگاه جامع به مفهوم مدیریت کلاس و براساس چهارچوب مفهومی ولفگانگ و گلیکمن، سه بعد مهم برای رفتار مدیریت کلاس معلم فرض کرده اند؛ مدیریت افراد، مدیریت آموزش، و مدیریت رفتار.

- مدیریت آموزش : شامل جنبه هایی چون؛ نظارت محیط کار، ساخت دهی فعالیت های روتین روزانه و تخصیص مواد است؛ روشی که این وظایف، مدیریت میشوند در بوجود آوردن جو عمومی کلاس و سبک مدیریت کلاس نقش دارند .

- مدیریت افراد؛ این بعد به اعتقادات معلم درباره دانش آموزان و تلاشهای معلم برای توسعه روابط با دانش آموزان اطلاق می گردد، که طبق گزارش محققینی چون؛ گلسر (۱۹۸۶)، گوردن (۱۹۷۴) و وین استین (۱۹۹۶) کیفیت رفتار معلم - شاگرد

تاثیر فراوانی بر موفقیت علمی دانش آموزان دارد.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۷۸۶-۲۹۸۰

به بیان وین استین، معلمان خوب زمانی را صرف شناختن دانش‌آموزان و علایق آن‌ها می‌کنند و براساس این شناخت، ارتباط دوستانه در قالب یک دوست، یک بزرگسال مسئول با دانش‌آموزان برقرار می‌کنند.

-مدیریت رفتار؛ که ارتباط تنگاتنگی با مدیریت افراد دارد بخش مهمی از مدیریت کلاس است. این جنبه شامل استراتژی‌های انضباطی می‌شود که به منظور جلوگیری از بدرفتاری دانش‌آموزان به کار می‌رود. فرایندهایی چون؛ تعیین قوانین، تعیین ساختار پاداش و تهیه فرصت‌هایی برای درون داد دانش‌آموزان در این حیطه جای دارد (مارتین، ۲۰۰۴).

تا اواخر دهه ۸۰ نویسندگان، مدیریت رفتار و انضباط را بعنوان کاربرد تکنیک‌های از پیش تعیین شده تنبیه و کنترل معرفی می‌کردند، که سبب تحمیل رفتار مناسب به دانش‌آموزان می‌شود؛ اما امروزه، از دید برخی دیگر از نویسندگان همچون آلبرت (۱۹۹۵) و چارلز (۱۹۸۱)، هدف انضباط کمک به دانش‌آموزان در رسیدن به خود- انضباطی است. طرفداران این رویکرد باور دارند که با پذیرش تکنیک‌های انضباطی مناسب، دانش‌آموزان بر مهارت خود- انضباطی مسلط می‌شوند؛ بنابراین رفتارهای تحت وظیفه افزایش می‌یابد.

به عقیده آلبرت طرح انضباط پیش‌گیر، در جایی است که انگیزه درونی و پاداش‌ها به طور قطع بر کسب خود- انضباطی دانش‌آموزان تاثیر می‌گذارد. این دیدگاه اهمیت مدیریت رفتار را در اثر بخشی استراتژی‌های مدیریت کلاس واضح می‌سازد (عالی، ۱۳۸۳: ۲۱).

شیوه‌های برنامه ریزی برای مدیریت کلاس برنامه ریزی بر سه نوع است:

۱- برنامه ریزی رسمی: شیوه‌ای است که معلمان تازه کار براساس آموخته‌های خود در دوره تربیت معلم انجام می‌دهند. معلم برنامه مبسوطی را برای هر جلسه درس تهیه می‌کند. برنامه ریزی رسمی شیوه‌ای آگاهی بخش برای معلمان به خصوص معلمان کم تجربه است، تا آنان بتوانند به چشم اندازی روشن و دقیق از آنچه پیش روست، دست یابند.

۲- برنامه ریزی غیر رسمی: معلم یادداشت‌هایی تهیه می‌کند که مبین ترتیب ارائه نکته‌های درسی و فعالیت‌های مربوط به هر کدام است.

۳- برنامه ریزی ذهنی: معلمان بسیار با تجربه از آن بهره می‌گیرند. این شیوه زمانی کارایی دارد که معلم نه فقط بر اثر سال‌ها تجربه فولادی آبدیده شده، بلکه درس مورد نظر را بارها تدریس کرده و برنامه ریزی رسمی و غیر رسمی را پشت سر گذاشته است.

بایدها و نبایدهای برنامه ریزی مدیریت کلاس درس و آماده سازی:

برخی از مهم‌ترین بایدها و نبایدهای برنامه ریزی برخاسته از سنجیدگی و انعطاف پذیری به این شرح است:



۱-نگذارید مطالب آموزشی به شما امر ونهی کند .

۲-درآماده سازی خود افراط نکنید .

۳-خود را برای شرایط واقعی آماده کنید.

۴-دشواری‌های واقعی را فراموش نکنید.

۵-از ابزارهای کمک آموزشی فقط در صورتی که سودمند باشند استفاده کنید (ضیاء، ۱۳۸۳: ۴۴).

در نظام آموزش و پرورش معلم الگو، مربی و راهنمای دانش‌آموزان و هدایت کننده فرایند تعلیم و تربیت می باشد و باید به تناسب این مسئولیت به او اختیارات لازم برای اجرای برنامه‌های آموزشی و پرورشی داده شود و امکان اظهار نظر و مشارکت فعال در تدوین سیاست ها و برنامه‌های آموزش و پرورش و تهیه کتب درسی و مواد و وسائل آموزشی برای او فراهم شود (ملکی، ۱۳۸۳: ۵۵).

موانع مدیریت کلاس درس

دانشجو معلمان و معلمان مبتدی مدیریت کلاس و مشکلات انضباطی را به عنوان منفی ترین عوامل طبقه بندی می کنند که در طول دوره تجربیات تدریس با آن مواجه می شوند. اکثر مسائل مدیریتی که معلمان تازه کار با آن روبرو میشوند به احتمال زیاد از عدم تجربه تدریس در کلاس ناشی می شود.

مدیریت موفق کلاس به عنوان موقعیتی دارای مشکل شناخته شده است که در آن لازم است معلم به صورت همزمان اطلاعات را درباره عوامل مرتبط متعددی پردازش کند. تحقیقات نشان می دهد که فرق بین مدیران اثربخش و غیراثربخش این است که آن ها به جای این که منتظر بمانند رویدادها اتفاق بیفتند و سپس وارد عمل شوند، سعی می کنند نظم و همکاری در کلاس را حفظ کرده و از بروز مشکلات پیشگیری نمایند (دویل ۱۹۸۶، بروفی ۱۹۸۸، اورستون ۱۹۸۹).

موانع مدیریت به تعبیری همان عوامل موثر در آسیب پذیری کلاس هستند که در ایجاد موقعیت مناسب یاددهی - یادگیری اخلال نموده و باعث توقف یا کندی فعالیت های یادگیری دانش آموزان می شود.

لویین ونولان (۱۹۹۱) شاخص های آسیب پذیری کلاس را در چهار قلمرو وسیع طبقه بندی کردند: ویژگی های دانش آموز، ویژگی های معلم، فعالیت یاددهی - یادگیری، و عوامل محیطی.

۱-ویژگی های دانش آموز: در اداره کلاس درس، معلم چهار عامل را به عنوان عوامل بالقوه مشکل ساز در نظر می گیرد. اولین عامل در رابطه باتوانایی و اشتیاق دانش آموز برای کنترل روی رفتار خودشان است. عامل دوم در رابطه با علاقه و انگیزه دانش آموزان به موضوع درسی است. در این عامل علاقه ذاتی به مطالب، ارتباط مطالب با اهداف کوتاه مدت دانش آموز، و



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۷۸۶-۲۹۸۰

تاریخچه شکست یا موفقیت دانش‌آموز در موضوع در نظر گرفته می‌شود. عامل سوم دربردارنده قلمرو وسیعی از ویژگی‌های دانش‌آموز در رابطه با توانایی او در حوزه موضوع است. در این عامل در نظر گرفتن سهم معلم در سطح دشواری مطالب، داشتن دانش پیش نیاز در موضوع درسی توسط دانش‌آموز و هماهنگی و جور بودن فعالیت با سبک یادگیری ترجیحی دانش‌آموز ضرورت می‌یابد. عامل نهایی درگیر در ارزیابی ویژگیهای دانش‌آموزان میزان ظرفیت توجه دانش‌آموزان است. طبیعتاً هر چه توانایی آنان بیشتر، و حیطة توجه آنان طولانی‌تر باشد، درس نسبت به مشکلات مدیریتی بالقوه کمتر آسیب‌پذیر است.

۲- ویژگی‌های معلم: دومین قلمرو وسیع که معلم باید در رتبه بندی آسیب‌پذیری درس در رابطه با مشکلات مدیریتی کلاس در نظر بگیرد، قلمرو ویژگی‌های معلم است. تحت این قلمرو وسیع چهار عامل را باید به حساب آورد: سطح آمادگی برای کلاس، سطح انرژی معلم، رابطه با دانش‌آموزان، و شایستگی معلم. سطح آمادگی برای کلاس عبارتست از دانش معلم درباره محتوا، سطح سازماندهی و برنامه ریزی برای استمرار و جریان فعالیت‌های یادگیری، و توانایی معلم برای پیش‌بینی مشکلات احتمالی برای دانش‌آموزان در تلاش در یادگیری محتوا. سطح انرژی معلم به سطحی از انرژی معلم اشاره دارد که تضمین میکند فعالیت‌های برنامه ریزی شده به طور موفقیت‌آمیز انجام می‌پذیرد. رابطه معلم با دانش‌آموزان به توانایی معلم در برقراری تعامل مثبت با یکایک دانش‌آموزان و درجه دوستی یا دشمنی ارتباط دارد که بین معلم و دانش‌آموز وجود دارد. نهایتاً شایستگی معلم به این باور معلم اشاره دارد که می‌تواند به طور موثر هر مساله انضباطی را که رخ می‌دهد اداره نماید. هر چه آمادگی معلم برای کلاس بیشتر، سطح انرژی معلم افزون‌تر، ارتباط معلم با دانش‌آموز بهتر، و شایستگی وی بیشتر باشد، احتمال کمتری هست که مشکلات مدیریتی در کلاس رخ دهد.

۳- فعالیت‌های یاددهی - یادگیری: سومین قلمرو گسترده‌ای که معلم باید در برآورد آسیب‌پذیری درس ارائه شده با وقفه با آن سروکار داشته باشد فعالیت‌های برنامه ریزی شده یاددهی - یادگیری است. این قلمرو شامل سه مقوله است: توانایی نظارت همزمان بر رفتار یکایک دانش‌آموزان، پاسخ‌گویی دانش‌آموز برای انجام تکلیفی مشخص، و دوره، توالی و تنوع فعالیت‌ها. توانایی نظارت هم‌زمان بر رفتار دانش‌آموزان مستلزم به حساب آوردن نقطه کانونی توجه دانش‌آموز در طول هر فعالیت و موقعیت معلم در کلاس ضمن هر فعالیت است. برآورد درجه پاسخگویی هر یک از دانش‌آموزان مستلزم این است که معلم در نظر بگیرد آیا به هر دانش‌آموز تکلیف معینی داده شده است؟

آیا چارچوب زمانی مشخصی برای انجام تکلیف طرح شده است؟ آیا استانداردهای انجام وظیفه روشن و شفاف شده‌اند؟ و آیا تکالیف تکمیل شده نظارت و بررسی شده‌اند؟ در تفکر در خصوص سومین مقوله این قلمرو وسیع، معلم باید طول فعالیتها را معین کند، و در نظر بگیرد آیا طول فعالیت‌ها با میزان ظرفیت توجه دانش‌آموز هماهنگ است؟ در مورد این که آیا گوناگونی



فعالیت‌ها برنامه ریزی شده‌اند فکر کند، و همچنین تصمیم بگیرد که آیا توالی فعالیت‌ها مناسب هستند؟ برای کاهش آسیب پذیری درس از وقفه با بکار بردن این قلمرو وسیع سوم، معلم باید درسی را برنامه ریزی کند که در آن امکان نظارت بر رفتار یکایک دانش‌آموزان تا حد ممکن افزایش یابد، و در آن هر دانش‌آموز برای انجام وظیفه مشخص خود احساس مسئولیت نماید، و در آن طول، تنوع، و توالی فعالیت‌های یادگیری با گروه خاصی از دانش‌آموزان هماهنگ و جور باشد.

۴- عوامل محیطی: قلمرو گسترده‌ی نهایی قرار گرفته در شاخص آسیب پذیری، در ارتباط با عوامل محیطی است، و مرکب از پنج مقوله می‌باشد: زمان روز، زمان سال، رویدادهای بیرونی، رویدادهای مدرسه، و محیط فیزیکی کلاس درس. زمان روز اشاره به قرار داشتن درس در برنامه روزانه دارد. دروسی که صبح اول وقت ارائه میشوند به طور کلی با احتمال کمتری دچار وقفه می‌شوند، تمام عوامل دیگر نیز با این عوامل برابرند.

زمان سال به رابطه درس خاصی با آغاز سال تحصیلی، پایان سال تحصیلی و تعطیلات اشاره میکند. به طور کلی، وقفه‌ها احتمال کمتری دارد که اول سال و بلافاصله بعد از تعطیلات رخ دهند، آن‌ها احتمالاً بیشتر در پایان سال و بلافاصله قبل از تعطیلات رخ میدهند. رویدادهای بیرونی شامل فعالیت‌های فصلی و رویدادهای اقلیمی مثل نزل برف و یخبندان است. رویدادهای مدرسه شامل جلسات، و روز تولد دانش‌آموزان است. قلمرو محیط فیزیکی کلاس شامل اندازه کلاس، گرما و تهویه، طراحی کلاس، در دسترس بودن مواد درسی، و چیدمان صندلی‌های کلاس است. به طور کلی، اکثر عوامل این قلمرو گسترده تحت کنترل معلم نیست. نوعاً، معلم باید سه قلمرو دیگر را به گونه‌ای دستکاری کند که بتواند آسیب پذیری بالای به وجود آمده توسط عوامل محیطی را کاهش دهد.

طبیعتاً چون بعضی از عوامل فراسوی کنترل معلم هستند مثل عوامل محیطی و ویژگی‌های دانش‌آموزان، معلم روی دستکاری کردن آن عوامل متمرکز می‌شود که میتواند برای کاهش آسیب پذیری آن‌ها را کنترل کند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۷۸۶-۲۹۸۰

نتیجه گیری

در گذشته چنین تصور می شد که عامل مهم یادگیری به ویژه یادگیری آموزشگاهی هوش ذاتی فرد است که هنگام تولد آن از طریق والدین خود به ارث می برد. در نظریه های جدید روان شناسی هوش؛ باور اکثریت این است که بخش مهمی از رفتار هوشمندانه را کارکردهای شناختی تشکیل می دهد. اهمیت رویکردهای جدید آن است که بر این باور پا می فشارند که برخلاف توانایی های ذاتی فرد که ارثی و غیرقابل تغییرند، کارکردهای شناختی اکتسابی و تغییرپذیرند. بنابراین اعمال هوشمندانه قابل آموزش و یادگیری هستند (سیف، ۱۳۷۹).

آن چه توجه پژوهشگران را به خود جلب کرده، این است که آیا عوامل متعددی در رشد فراشناخت و راهبردهای یادگیری دانش آموزان مؤثر است یا خیر؟ به عبارتی دیگر، سبک های مدیریت کلاس، می تواند به رشد فراشناخت دانش آموزان یاری رساند؟ درک مطلب و خواندن، اساس فراگیری بسیاری از مفاهیم است که منجر به رشد فراشناخت می گردد .

براساس نظر پیاژه، دانش آموزان دوره ابتدایی از نظر شناختی در مرحله عملیات عینی هستند. آن ها در حل مسأله بر درک خود و تجارب شناخته شده خویش اتکاء دارند. اکثر دانش آموزان در مراحل نهایی این وابستگی قرار دارند و برخی ممکن است در شرف انتقال به مرحله تفکر صوری باشند. مدیریت کلاس مقدمه و پیش نیاز آموزش است. معلم می تواند با شناخت و اجرای مدیریت صحیح، تاثیر و کارایی تدریس را افزایش و مشکلات رفتاری دانش آموزان را کاهش دهد. هدف اصلی مدیریت کلاس، همانند هدف آموزش « خود رهبر شدن دانش آموزان است». هدف این است که دانش آموز به جای آن که به کنترل خارجی نیاز داشته باشد بتواند آگاهانه رفتار خویش را کنترل کند و رفتار مطلوب جزئی از شخصیت او شود.



فهرست منابع و مآخذ

- بهاری، منوچهر (۱۳۷۲)، «مدیریت کلاس»، مجله مدیریت در آموزش و پرورش، دوره دوم، شماره ۲، ۳۷-۴۰.
- رضایی، اکبر (۱۳۷۹)، «مدیریت کلاس»، مجله مدیریت در آموزش و پرورش، شماره ۱۰.
- سیف، علی اکبر (۱۳۸۶)، روانشناسی پرورشی نوین، چاپ ششم، تهران، نشر دوران.
- ضیاء، تاج الدین (۱۳۸۳)، «فنون مدیریت کلاس درس» رشد تکنولوژی آموزشی، ماهنامه آموزشی اطلاع رسانی، شماره ۷، ۴۴-۴۸.
- عالی، آمنه (۱۳۸۳) «تاثیر سبک های مدیریت کلاس بر رشد مهارت های فراشناختی دانش آموزان، (پایان نامه کارشناسی ارشد)، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد.
- کدیور، پروین (۱۳۸۲)، روانشناسی تربیتی، تهران. انتشارات سمت.
- Brophy, j, & Everston, C. (۱۹۷۶). learning from teaching : a developmental perspective. Boston : Allyn and Bacon.
- Dinsmore, Terris. (۲۰۰۳). «classroom management», ERIC Identifier: ED ۴۷۸۷۷۱.
- Dolittle. E, peter, (۲۰۰۳). « Teacher Talk », Indiana university.
- Doyle, w (۱۹۸۶). classroom organization and management . In Mwitrok (Ed). Handbook of research on teaching (۳. ed). New york: Macmillan.
- Eleonora, p. L. , (۲۰۰۳) , « The concept and Instruction of Metacognition » Teacher Development , I , ۱. ۴۴-۶۱.
- Evertson, c. , sanford, j. , & Emmer, E (۱۹۸۱). Effects of class heterogeneity in junior high school. American education research journal , ۱۸, ۲۷۹-۲۳۲.
- Fernandez . D and Baird. j. (۲۰۰۰) , « Executive Attention and Metacognitive Regulation », consciousness and cognition , ۹, ۲۸۸-۳۰۷.